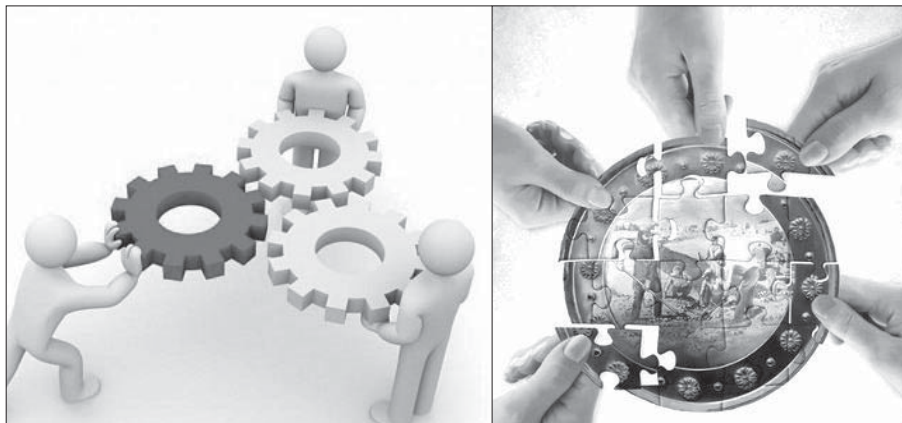


پرونده اول، مطلب دوم

ضرورت انطباق روش تأمین مالی با نوع فعالیت اقتصادی



سید محمود ابطی

رئیس هیات‌مدیره انجمن پسته ایران



بهترین وثیقه تسهیلات بانکی سودآوری طرح است.

تأمین مالی یکی از مشکلات تولید است، اما مشکل اصلی آن نیست. مهم‌ترین، مشکلی که در مورد تأمین مالی وجود دارد، عدم تعریف روش تأمین مالی متناسب با نوع فعالیت اقتصادی است؛ به این صورت که، مقدار سرمایه و بازدهی اظهارشده از طرف فعال اقتصادی توسط مراجع تأمین‌کننده سرمایه با دقت بررسی و در مورد برآوردهای انجام‌شده اظهارنظر شود، در صورتی که در حال حاضر اولین پرسش بانک از فعال اقتصادی، در مورد ضامن، میزان و نوع وثیقه است و هیچ‌گاه در سؤالات این‌گونه پرسیده نمی‌شود که تسهیلات صرف چه نوع فعالیتی می‌شود؟ چرا به این میزان سرمایه نیاز است؟

اگر تصمیم بر اجرای پروژه مشخصی است و لازم است منابع پولی به آن تزریق شود، نباید ضابطه‌هایی از قبیل معدل حساب مشتری گذاشته شود. این‌گونه ضابطه‌ها باید در درجه دوم اهمیت قرار گیرند و بانک‌ها باید موضوع و سودآوری پروژه را در

اولویت قرار دهند و به‌عنوان وثیقه‌ی تسهیلات در نظر بگیرند. سیستم بانکی با مسئله‌ی تأمین مالی بنگاه‌ها فقط از این جهت برخورد می‌کند که آیا تسهیلات پرداختی وصول می‌شود یا خیر؛ و اهمیتی برای نوع نیاز واحد تولیدی قائل نیست. اگر حجم انبوه تسهیلاتی که سیستم بانکی کشور تابه‌حال پرداخت کرده، درست، به‌جا و کارشناسی شده می‌بود، اکنون در عرصه‌ی تولید، در کشور مشکل تأمین مالی وجود نداشت. دیدگاه دولت، بانک و حتی مدیران بنگاه‌های تولیدی نیز نسبت به پرداخت تسهیلات توسط سیستم بانکی صحیح نبوده و نیست؛ چراکه در شرایطی که هدف از دریافت تسهیلات توسط صاحبان واحدهای تولیدی، پرداخت بدهی‌های ایشان است، نتیجه کاملاً واضح است، به این صورت که باوجود حجم انبوهی از نقدینگی در کشور اما بخش تولید با مشکل کمبود نقدینگی مواجه است.

اعطای تسهیلات بر اساس قدرت وثیقه و نه نیاز

بانک‌ها در ارائه تسهیلات بانکی نیاز را در نظر نمی‌گیرند و بر اساس قدرت وثیقه و بازپرداخت مشتری عمل می‌کنند؛ اما با این وجود، کماکان شاهد وام‌های معوق بسیار زیاد و سنگین هستیم، همچنین، از آنجایی که تسهیلات بر اساس نیاز تعریف نشده‌اند، عمدتاً صرف فعالیت‌های تولیدی نشده، و برای اموری مثل پرداخت بدهی‌ها و سایر امور شخصی به کار برده می‌شوند. همین می‌شود که امروز سیستم بانکی با انبوهی از وام‌های معوق روبه‌روست و سرمایه‌ی بانک‌ها تبدیل به انبوهی از اموال غیرمنقول مثل زمین شده که باعث می‌شود بانک‌ها از کارکرد اصلی خود فاصله بگیرند. کارکرد اصلی ایشان جذب سپرده‌ها، و اعطای تسهیلات با در نظر گرفتن قیمت تمام‌شده‌ی پول است و نه بنگهداری و یا زمین‌داری.

به نظر می‌رسد، معیار اعطای تسهیلات بر اساس نحوه بازپرداخت، از ابتدا اشتباه بوده است. از طرف دیگر حمایت مالی بانک‌ها از برخی واحدهای تولیدی ورشکسته نیز از اساس ایراد دارد؛ بنگاهی که به دلیل سوء مدیریت نمی‌تواند سرمایه‌ی خود را مدیریت کند و ورشکست می‌شود، از اصل مناسب این کار نبوده و نیست، چراکه موفقیت در کار تولیدی، بیش از سرمایه‌ی مالی، نیاز به دانش، تخصص و تجربه دارد. تعداد بسیار اندکی از بنگاه‌های تولیدی وجود دارد که صرفاً با تکیه بر تسهیلات بانکی موفق شده‌اند. از این رو، بانک‌ها قبل از هر موضوعی باید در ابتدا اهلیت فعال اقتصادی را از نظر دانش و تخصص لازم بررسی کنند و پس از آن در صورت سودده بودن طرح، از آن حمایت بدون چون و چرا کنند.

تأمین مالی از شیوه‌های غیر بانکی

آنچه در بالا بدان اشاره شد، با محوریت تأمین مالی از طریق بانک‌ها بود، هر چند آمارها نشان می‌دهد در ایران تأمین مالی عمدتاً توسط بانک‌ها انجام می‌شود، اما نباید از سایر منابع، مراجع، و شیوه‌های تأمین مالی غافل بود.

اقتصاد ایران طیف ناهمگونی دارد و به دلیل شرایط پیش‌آمده در دوره‌های مختلف، تمهیدات لازم در سیستم اقتصادی اندیشیده شده که باید به‌خوبی از آن استفاده کرد. در ایران، از پیشرفته‌ترین مقررات سرمایه تا ابتدایی‌ترین آن در اقتصاد وجود دارد. یکی از آن‌ها، فروش سهام واحد تولیدی و جذب سهام‌داران در بورس است، ضمن اینکه لزوم ارائه صورت‌های مالی توسط شرکت‌های برای ورود به بورس، باعث شفافیت اقتصادی شده که این موضوع توسط بانک‌ها رخ نمی‌دهد. اما کاستی‌هایی نیز در این بین وجود دارد و اگر بنا این است که بازار سرمایه به شکل مدرن تعریف شود، باید سازوکارهای آن نیز فراهم شود. ماهیت اقتصاد به‌گونه‌ای است که به‌صورت خودکار، کاستی‌ها را از طریق فراهم نمودن ملزومات برطرف کرده و در مسیر مناسب قرار می‌گیرد؛ در چنین شرایطی باید به‌خوبی از چنین بسترهایی که به‌صورت خودجوش ایجاد شده‌اند، استفاده شود. به‌عنوان مثال، سیستم اعتباری موضوعی است که هر چند مکانیزم‌های آن در قوانین و مقررات دیده نشده است، اما در مکانیزم بازار هم‌اکنون در حال اجرا است، به این صورت که بقال‌ها در سطح شهرها در برخی موارد با فروش نسبه همان عملکرد سیستم کارت اعتباری را اجرا می‌کنند. هر چند تعداد ایشان بیش از حد استاندارد است و عملاً با حذف تعداد زیادی از آن‌ها، خللی در سیستم توزیع روی نمی‌دهد، اما از این جهت که به حوزه جغرافیایی محدودتری متمرکز شده‌اند، عملاً به‌واسطه شناخت بیشتر بر مشتریان و کاهش ریسک، کارکردهای سیستم کارت اعتباری



حمایت مالی بانک‌ها از برخی واحدهای تولیدی ورشکسته نیز از اساس ایراد دارد؛ بنگاهی که به دلیل سوء مدیریت نمی‌تواند سرمایه‌ی خود را مدیریت کند و ورشکست می‌شود، از اصل مناسب این کار نبوده و نیست، چراکه موفقیت در کار تولیدی، بیش از سرمایه‌ی مالی، نیاز به دانش، تخصص و تجربه دارد.



را به‌خوبی اعمال می‌کنند. بنابراین می‌بینیم که تعداد زیاد بقالی‌ها موجب شده به اقتصاد و مردم نفع برسد و وجودشان لازم است.

از سوی دیگر، جمع زیادی از مردم کرمان در زمینه‌ی پسته فعالیت می‌کنند، عده‌ای قصد حذف واسطه‌ها از بازار پسته را دارند و با مخالفت شدید خود در مقابل واسطه‌های این بازار ایستاده‌اند؛ اما غافل از این هستند که همین واسطه‌ها بازار پسته را رونق بخشیده‌اند. در حال حاضر بنا بر شنیده‌ها ۵۰۰ نفر در بازار پسته‌ی رفسنجان مشغول‌اند که حدود ۴۰۰ نفر رسمی هستند.

حذف این گروه ذی‌نفعان، از بازار پسته اشتباه است، زیرا اول اینکه ایشان بدون کمک دولت، در مسیر اشتغال‌زایی حرکت کرده‌اند، دوم اینکه ضمن حمایت یکدیگر بخصوص در رابطه با دریافت تسهیلات بانکی، تا به حال سابقه نداشته که منابع بانکی را برگشت ندهند. رقم‌های درشت بانکی را افراد دیگری پرداخت نکرده‌اند، که حدود ۳۰ درصد محصول پسته را مدیریت می‌کنند. سوم اینکه، هرچند باغدار به دلیل هزینه‌هایی که تا دو سال پیش‌تر کرده، در مقابل کاهش قیمت ایستادگی ندارد؛ اما واسطه‌ها تا حد امکان در مقابل کاهش قیمت مقاومت می‌کنند، زیرا برای مثال کسی که ۱۰ روز قبل باقیمت ۳۰ هزار تومان خرید انجام داده، ضرر حتی ۱۰۰ تومان برای وی غیرقابل پذیرش است، این افراد، درواقع لنگر بازار هستند.

با این اوصاف، مسئولان و سیستم دولتی سعی در کوتاه کردن دست واسطه‌ها از بازار پسته از طریق تجمیع بازار در یکجا (بورس) هستند، در صورتی که در بازار پسته رقابت وجود دارد و عملاً راه‌اندازی بورس کمکی به رقابتی‌تر شدن این حوزه نخواهد کرد.

سخن آخر

بنگاه‌های تولیدی با تزریق پول نمی‌توانند پا بگیرند. وام گرفتن صرفاً منجر به دست‌به‌دست شدن پول می‌شود، که مشکلی حل نمی‌شود. تحریم‌ها نیز همچنان پابرجا هستند. نقدینگی فراوانی که در دولت قبل به اقتصاد کشور وارد شد، در تاریخ کشور سابقه نداشت؛ اما چه اتفاقی افتاد؟ در طول هشت سال فعالیت این دولت، بر اساس آمارهای اعلام‌شده فقط ۱۲ هزار شغل ایجاد شد. تعداد زیادی بنگاه زودبازده ایجاد و منابع زیادی صرف آن‌ها شد، اما این بنگاه‌ها به انحراف رفتند، منابع تمام شد و به‌جایی نرسید.

مشکل اصلی پول نفت است که خارج از کارکردهای اقتصاد، به آن تزریق می‌شود و مشکلات به‌صورت موقت حل می‌کند؛ درواقع اگر پول نفت نبود، قیمت‌ها، بخصوص قیمت انرژی به قیمت واقعی می‌بود. از این‌رو، لازم است منابع و ثروت‌های کشور به‌خوبی مدیریت شوند که باعث رونق اقتصاد شود، نه اینکه جامعه به سمت راحت‌خوری و کم‌کار کردن هدایت شود^۱. اقتصادی که در آن باکار و زحمت اندک، خلق ثروت روی دهد، بیمار می‌شود و تزریق پول به چنین اقتصاد بیماری، مشکلات آن را مضاعف می‌کند.

مشکل اصلی پول نفت است که خارج از کارکردهای اقتصاد، به آن تزریق می‌شود و مشکلات به‌صورت موقت حل می‌کند؛ درواقع اگر پول نفت نبود، قیمت‌ها، بخصوص قیمت انرژی واقعی می‌بود.

۱- غلامحسین ساعدی داستانی با این مضمون دارد که اهالی یک روستا در حاشیه‌ی خلیج فارس از راه ماهیگیری، کشاورزی و برنج‌کاری روزگار می‌گذراندند، روابط، معیشت، عشق و انسانیت آن‌ها بر اساس این شیوه‌ی زندگی و کسب‌وکار شکل گرفته بود، تا این‌که یک گروه اکتشافی فرانسوی در کنار روستا اردو می‌زند. این گروه از غذاها و لوازم اضافی خود به مردم این روستا می‌دادند و که در نهایت، اقدام ایشان باعث تنبلی اهالی روستا شد؛ که به دنبال تنبلی و بی‌کاری، چاقو‌کشی، تجاوز و انواع جرم و جنایت به وجود آمد.